



موانع توسعه ایران

به قلم علی اکبر نیکو اقبال

موسسه حساب پردازان معاصر ماندگار



بخش سوم : همه مقصران توسعه نیافتگی

در سه یادداشت متوالی گذشته، به موانع اصلی توسعه در ایران پرداخته شد. در بخش پایانی می خواهم ادب را کمی کنار بگذارم و مشخص کنم مسئولیت این وقایع یا این فجایع، بیشتر متوجه مدیران کدام سازمان است؟

یاد سال اول انقلاب بخیر! روزی نبود که مطبوعات کشور درباره انحلال سازمان برنامه و بودجه صحبت و استدلال نکنند. ولی هنوز چند ماهی نگذشته بود که ناگهان همان سال، به سال برنامه ریزی در ایران تغییر نام و شهرت پیدا کرد. جالب است که در دولت هشتم و نهم نیز سازمان مدیریت و برنامه ریزی منحل اعلام شد، ولی اصل و روح فناپذیر امری به نام (برنامه ریزی) به داد و کمک اداره ای به نام (سازمان مدیریت و برنامه ریزی) آمد و این اداره باز هم مجدداً حیاتی دوباره پیدا کرد.

البته با همان حد از کارایی های نداشته گذشته!

آیا اشکالی می داشت که این سازمان به جای پراکندگی گیج کننده در اهداف و منابع، فقط و فقط یک هدف را در بودجه ریزی سالانه خود دنبال می کرد، یعنی فقط هدف مهار تورم را پیگیری می کرد و از این طریق، آبروی (دانش برنامه ریزی) را در سطح بین المللی حفظ می کرد؟ در این صورت برنامه های پنج ساله (یا بهتر بگوییم احکام و دستورات نصیحت گونه پنج ساله) و مخارج و زحمات انجام شده برای تدوین برنامه دورنمایی یا چشم انداز ۲۰ ساله را که فقط پنج سال از آن باقی مانده است، می توانستند پس انداز کنند!

شاید ذکر این نکته خالی از فایده نباشد که فلسفه ادغام و محول کردن تکلیف بودجه ریزی به سازمان برنامه در قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران ناشی از امکانات گسترده دولت در تجمیع منابع مالی و امکان توسعه جامع و پایدار از طریق بودجه ریزی جامع بود! ولی اکنون که پدیده تورم هم زمان با رکود (تورکود) در زمان حاضر، اجازه بودجه ریزی انبساطی را نمی دهد، آیا نباید سازمان یا اداره ای با خصوصیت صرفه جویانه (مثلاً وزارت دارایی) و نه سازمان برنامه با طبیعت و لخرخانه، وظیفه بودجه ریزی را به عهده بگیرد؟

امر دیگری که می توانست و باید مورد توجه مدیران برنامه ریزی کشورمان قرار می گرفت، شناسایی دقیق و جدی محدودیت ها و حدود توانایی های برنامه ریزی و برنامه ریزان ما می بود. وقتی برنامه ریزی جهت تحقق اهداف صرفاً اقتصادی چه در ایران و چه در سطح جهانی با این همه مشکلات و موانع روبه رو است، چگونه سازمان برنامه کشورمان می تواند و جرئت می کند این همه اهداف متنوع و پیچیده توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی کشور را تحقق بخشد؟ آفرین به این جرئت و توانایی!



حساب پردازان معاصر ماندگار
Hesab Pardazan Moaser Mandegar

موسسه حساب پردازان معاصر ماندگار

برنامه ریزی صرفا اقتصادی و آن هم به صورت میان و طویل المدت آن در سطح جهانی، اعتبار قبلی و گذشته خود را از دست داده است و در سطح کشورهای در حال توسعه نیز به برنامه ریزی در سطح پروژه و بررسی مجموعه ها و آن هم در ارتباط با توسعه منطقه ای، تغییر وزن و ارزش داده است.

چه اشکالی می داشت که مدیران برنامه ریزی در کشورمان، بلندپروازی را کنار می گذاشتند و به تعهد و مسئولیت خودشان، در حد توانایی و تخصصشان وفادار می ماندند؟ مسئولیت ها در قبال مانع تراشی برای توسعه، مشخص است اگر اراده ای برای رفع آن وجود داشته باشد.

مؤلف : علی اکبر نیکواقبال . دانشیار دانشگاه تهران

تهران ، خیابان شهید بهشتی ، احمد قصیر(بخارست)، کوچه ششم ، پلاک ۱۵ واحد ۱۰

تلفن : ۸۸۵۴۷۴۶۴ - ۸۸۷۵۹۰۸۹ فکس : ۸۸۵۳۹۴۳۱

www.hpmpgroup.co

info@hpmpgroup.co